

شیوا مسعودی

کارنامه‌ی تلخ‌کان

بازشناخت اطوار تلخکی و دل‌قگی با نگاهی
به متون نمایشی امروزی، میانگاهی و کهن



نشرنی

دلک ایرانی تنها در هیئت افرادی چون کریم شیرهای-دلک راه یافته به دربار ناصری- و در ادامه‌ی آن دلک‌های نمایش سنتی- مبارک دلک خیمه‌شب‌بازی و سیاه دلک سیاه‌بازی- در متن قرار دارد، اما سرگذشت قبل و بعد از آن مبهم است. ویژگی و کارکرد او در این دوره‌ی در متن بودگی هرچند کوتاه نشان می‌دهد شکل‌گیری دلک نمایشی جز با تباری کهن و قدرتمند امکان‌پذیر نیست، همچنان که طردش از تئاتر آمده از درام غربی پس از مشروطه پذیرفتنی نیست. پس وجود گروه‌هایی تباری تا نقطه‌ی مرکزی -دلک نمایش سنتی- و تغییر آن در شکل‌های متفاوت تا امروز ضروری می‌نماید. نویسنده در این کتاب به شناخت نیاکان دلک و بازیابی حضور او در ادبیات نمایشی ایران، با ردیابی شکل‌های متفاوت گذشته و امروزش، اهتمام دارد و تلاش می‌کند تا خطوط محوشده‌ی مسیر تاریخی او را روشن سازد و مانایی این شخصیت را در قلمرو فرهنگی و نمایشی اثبات کند.



ISBN 978-964-185-462-3



9 789641 854623

- سرشناسه: مسعودی، شیوا، ۱۳۵۳ -
- عنوان و نام پدیدآور: کارنامه‌ی تلخکان؛ بازشناخت اطوار تلخکی و دلکی با نگاهی به متون نمایشی امروزی، میانگاهی و کهن/شیوا مسعودی.
- مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۵.
- مشخصات ظاهری: ۴۰۴ ص.
- شابک: 978-964-185-462-3
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
- یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
- موضوع: دلک‌ها؛ دلک‌ها - ایران.
- رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ک ۵ م / GV۱۸۲۸
- رده‌بندی دیویی: ۷۹۱/۳۳
- شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۰۳۱۶۰



شیوا مسعودی



کارنامه‌ی تلخ‌کان

بازشناخت اطوار تلخکی و دل‌قگی بانگ‌های
به‌متون نمایشی امروزی، میانگ‌های و کهن



نشرنی

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان



کارنامه‌ی تلخکان

باز شناخت اطوار تلخکی و دل‌تکی با نگاهی

به متون نمایشی امروزی، میانگاهی و کهن

شیوا مسعودی

عضو هیئت علمی دانشکده‌ی هنرهای نمایشی

و موسیقی دانشگاه تهران

چاپ اول تهران، ۱۳۹۵

تعداد ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی پردیس دانش

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۳ ۴۶۲ ۱۸۵ ۹۶۴ ۹۷۸

www.nashrenay.com

فهرست مطالب

دییاجه	۱۳
فصل اول: نیاکان دلکک	۱۹
واژه‌های دلکک	۱۹
دلکک به‌مثابه‌ی دیگری	۲۳
نیای اسطوره‌ای-آیینی دلکک: بلاگردان	۲۴
کشتن انسان-خدای میرنده	۲۸
مرگ آیینی - شاه بدلی	۳۳
میر نوروزی	۳۸
نیای اجتماعی دلکک	۴۲
خنی‌گران	۴۳
خنی‌گران ایرانی	۴۸
کولی‌ها	۵۵
نیرنگ‌باز	۶۲
عیازان و قصه‌های عیاری	۶۶
لوطیان	۷۰

۷۴	لومین‌ها
۷۸	رند-رند وارونه
۸۱	نیای تاریخی دلک: دلک دربار، دلک میدانی
۸۳	دلک دربار، دلک رسمی
۹۴	طنزآفرینی دلک دربار
۱۰۳	الف) حقیقت‌گویی در رخداد‌های تلخ و دشوار
۱۰۴	ب) بهبودبخش اخلاق شاه
۱۰۵	ج) رفع گرفتاری مردم
۱۰۶	د) کارکرد دیپلماتیک
۱۰۸	کریم شیرهای
۱۱۱	تارلتون
۱۱۳	دلک میدانی (دلک دوره‌گرد)
۱۱۵	الف) آگاهی‌بخش
۱۱۶	ب) سرگرم‌کننده
۱۱۷	ج) به‌وجود آورنده‌ی کارناوال
۱۱۹	الگوی ملانصرالدین
۱۲۰	ججی (ججا)
۱۲۳	خواجه نصرالدین-ملانصرالدین
۱۲۶	بهلول
۱۲۸	ویدوشکا
۱۳۱	باهاند

فصل دوم: دلک ایرانی ۱۳۵

۱۳۵	دلک ایرانی
۱۳۶	گونه‌های آیینی-اجتماعی
۱۳۹	پیش‌نمونه‌های دلک نمایشی: دلک میدانی، دلک دربار
۱۳۹	دلک-شاعران

۱۴۱	دلّک-سرگرم‌کننده‌ها
۱۵۸	دلّک‌های نمایشی
۱۵۸	دلّک-خرده‌نمایش‌ها (تقلید)
۱۶۱	کچلک‌بازی
۱۶۳	بقال‌بازی
۱۷۱	سیاه‌بازی
۱۷۵	تکوین اجتماعی رابطه‌ی نوکر-ارباب
۱۷۶	الف) تغییر مکان (دربار-بازار)
۱۷۷	ب) تغییر ماهیت سیاسی (نظام شاهی-نظام اقتصادی تاجران)
۱۷۸	ج) تغییر ماهیت ویژگی‌های رفتاری (سرکشی-تسلط بر ارباب)
۱۷۹	د) تغییر کارکرد (سرگرم‌کننده-خدمت‌کار)
۱۸۰	ویژگی‌ها، کارکردها و ترفندهای سیاه
۱۸۶	خیمه‌شب‌بازی
۱۸۹	مبارک: نوکر-دلّک
۱۹۰	مبارک-مرشد
۱۹۱	الف) مرشد-خاطی
۱۹۲	ب) نوکر-ارباب
۱۹۳	ج) دلّک-شاه
۱۹۴	طغیانگری مبارک
۱۹۴	الف) طغیان گفتاری
۱۹۵	ب) طغیان اجتماعی
۱۹۶	ج) طغیان داستانی
۱۹۸	تأثیر گروه‌های تباری بر دلّک‌نمایش سنتی ایران

۲۰۱	فصل سوم: گونه‌های برخاسته از دلّک در ادبیات نمایشی ایران
۲۰۲	دلّک برگرفته از نمایش‌های سنتی
۲۱۲	الف) سلطان‌مار

۲۲۰	 (ب) جنگ‌نامه‌ی غلامان
۲۲۱	 ویژگی‌های متأثر از سیاه‌سیاه‌بازی
۲۲۸	 (ج) مجلس‌نامه
۲۲۹	 دوگانگی و قربانی‌بودن
۲۳۲	 آوازخوانی
۲۳۴	 صراحت و تمسخر
۲۳۶	 شگردهای سیاه
۲۳۸	 (د) پستوخانه
۲۴۲	 طغیانگری سیاسی
۲۴۳	 تمسخر
۲۴۴	 طنزپردازی
۲۴۵	 الماس-سه ارباب
۲۴۶	 الماس-شگردهای سیاه
۲۴۷	 الماس-بلاگردان
۲۴۸	 الماس-گوسان
۲۵۲	 الماس-نیرنگ‌باز (عیار)
۲۵۵	 دلچک‌های برگرفته از گروه‌های تباری
۲۶۴	 الف) کربلارفتن شاه قلی میرزا
۲۶۵	 نیرنگ‌بازی و بازی‌سازی
۲۶۷	 سرگرم‌کردن و خنده‌آوری
۲۶۸	 تحقیر و مضحکه‌آفرینی
۲۶۹	 (ب) جیجک علی‌شاه
۲۷۱	 کریم شیرهای
۲۷۳	 مفخرالشعرا
۲۷۳	 مورخ‌الملک
۲۷۵	 اقیانوس‌العلم انباری
۲۷۵	 وزیر دواب

۲۷۸	ج) بی‌خانمان
۲۸۵	زهر خند به جای لبخند
۲۸۶	دل‌قک به مثابه‌ی دیگری
۲۸۸	الف) جعفرخان از فرنگ برگشته
۲۹۱	جعفرخان- «دیگری»: نشانه‌های دل‌قک بودن
۲۹۵	دایی- دیگری: نشانه‌های دل‌قک بودن
۲۹۶	ب) پچ‌پچه‌های پشت خط نبرد
۲۹۷	دوگانگی
۳۰۱	پسرک آواز خوان
۳۰۲	نیرنگ‌بازی
۳۰۴	شگردهای طنزآوری
۳۰۶	دل‌قک بی‌ارباب
۳۰۸	دستیار دل‌قک
۳۱۰	دیگری شدن
۳۱۱	دل‌قک واژگون
۳۱۳	الف) لبخند باشکوه آقای گیل
۳۱۴	دل‌قک خوش‌گذران خاندان اربابی
۳۱۷	دل‌قک واژگون
۳۱۸	دوگانگی- خودویرانگری
۳۲۱	ب) در مه بخوان
۳۲۵	خصوصیات ظاهری: دیگری‌آفرین
۳۲۷	بقراطی- نیاکویی
۳۳۱	انسیه- بقراطی
۳۳۳	اشکیوس: بچه دل‌قک
۳۳۸	ج) ضحاک
۳۴۰	آشپز- دل‌قک دربار
۳۴۸	ه) دل‌قک‌های برگرفته از رابطه‌ی نوکر-ارباب

۳۵۰	۱. شب‌های آوینیون
۳۵۲	مبارک: سرکشی آخرین ویژگی بازمانده‌ی دلکمی
۳۵۴	نصرت‌تنیکی: مرشد-دلک
۳۵۹	پهلوان ایی و پهلوان اسی - زوج ابله دلک
۳۶۱	۲. گزارش خواب
۳۶۳	نوکران مزدور
۳۶۹	۳. شکک
۳۷۰	دلک-شاه
۳۷۴	نوکر (دلک) - ارباب
۳۷۷	مرشد-بچه‌مرشد
۳۸۱	فصل چهارم: ... و افق‌های پیش‌رو
۳۸۱	دلک در روزگار معاصر
۳۸۱	دیگری-دلک
۳۸۳	سوژه: فرد
۳۸۶	تفاوت
۳۸۷	دیگری
۳۸۹	ضرورت وجودی دلک
۳۸۹	الف) ضرورت روان‌شناسی
۳۹۱	ب) ضرورت اجتماعی
۳۹۳	جایگاه امروز دلک در ایران
۳۹۷	منابع

دیباچه

نخست...

هر چیزی یک متن، یک بطن و یک حاشیه دارد. متن همیشه در مرکز است و دیده می‌شود، اما حاشیه کم‌تر به چشم می‌آید و اگر دیده شود زود فراموش می‌شود. اگرچه جریان اصلی تاریخ متعلق به اصحاب متن است که در مرکز واقع‌اند و خود را صاحب آن می‌دانند، اما نگرش‌های برگرفته از تاریخ‌گرایی نوین قائل به حاشیه‌هایی در اطراف متن است که کارکردی مؤثرتر بر سیر تاریخ و البته فرهنگ دارند. علت رانده شدن به حاشیه اغلب فشار قدرت رسمی مرکزی است که چون می‌خواهد مدام در متن باشد گروه‌هایی را به حاشیه می‌راند. مهم‌ترین آسیب این حاشیه‌نشینی خروج از دایره‌ی متن و ناگزیر تاریخ‌نگاری سنتی است که مطالعه‌ی تاریخی و سیر تغییرات گروه‌های حاشیه‌ای را دشوار می‌کند.

خنده همیشه بخش غیررسمی گفتمان است، بخشی که نه در دایره‌ی متن اصلی بلکه به صورت حاشیه‌ای در کنار آن شکل می‌گیرد. از این رو خنده در بسیاری از موقعیت‌های رسمی جایی ندارد، مطرود است و داستان حاشیه‌نشینی‌اش دوباره تکرار می‌شود، زیرا خنده مسیر گفتمان را تغییر

می‌دهد و سویه‌هایی دیگر برای آن می‌گشاید. پس آنچه خنده را به حاشیه می‌راند شاید باور به قدرت آن باشد که از آن کسانی است که سبب خنده می‌شوند، کسانی که از زمان‌های دور جایگاه حاشیه‌نشینی داشته‌اند و به آن دل‌خوش بوده‌اند. از بذله‌پردازان مجالس و کسانی که موجب خنده و سرگرمی جمعی می‌شوند تا دلک‌های درباری و میدانی مسیری طولانی و پُریچ‌وخم وجود دارد که هریک با شادی‌آفرینی مدتی کوتاه در مرکزند، اما به دلیل پیوند با قلمرو حاشیه‌ای خنده حاشیه‌نشین شده‌اند. نشانه‌ی آشکار این امر آثار تاریخی به‌جا مانده از دلکان است که به نسبتِ انبوهِ تاریخ و نوشته‌های پادشاهان، امیران و حکیمان ناچیز است.

علت دیگر حاشیه‌نشینی دلک وابستگی او به فرهنگ عامه است که همیشه در مقابل فرهنگ رسمی به حاشیه رانده شده است. این قدرت‌طلبی فرهنگ رسمی و قدرت ذاتی و پنهان فرهنگ عامه همیشه محل مناقشه بوده است و موجب تکوین رویکردها و جنبش‌های فرهنگی و هنری شده است. اما عناصر فرهنگ عامیانه نظیر دلک چنان ژرفایی دارند که جلوه‌های سطحی فرهنگ رسمی نمی‌توانند آن‌ها را کم‌رنگ یا محو کنند.

دلکان وقتی در قلمرویی به حاشیه رانده می‌شدند خود را با قدرت وارد قلمروی دیگر می‌کردند، چنان‌که زوال دلک‌های درباری و میدانی آغاز شکل‌گیری گونه‌هایی از دلک نمایشی شد و افول نمایش‌های سنتی دلک‌ها را با شکلی تغییریافته وارد تئاتر مدرن کرد. در ایران نیز اگرچه الگوهای قدرت‌مند دلک در نمایش سنتی با آمدن تئاتر غربی به حاشیه رانده شدند، اما پیشینه‌ی برگرفته از فرهنگ عامیانه و نقش کارگشای اجتماعی آن و کارکردهای مؤثر نمایشی‌اش ردپای دلک را تا امروز در ادبیات نمایشی ایران قابل جست‌وجو کرده است. دلک شخصیتی قدرت‌مند و مؤثر است که مطالعه‌ی سیر تاریخی‌اش در ایران به تبع حاشیه‌نشینی دشوار و طولانی می‌نماید، اما اهمیت او در نمایش سنتی و

نقش‌اش در بالندگی درام ایرانی پیمودن این راه را ارزشمند می‌کند، راهی که بتواند دلک را از حاشیه به متن آورد.

دوم...

در سال‌های اخیر افرادی با پوشش‌هایی به رنگ سرخ و صورت‌های سیاه‌اندود و دایره‌ای در دست با رنگی ناموزون یادآور تصویری به هم ریخته و مخدوش از حاجی فیروزهای نروزی‌اند. اگرچه از این تصویر تا نمونه اصلی آن راهی دراز طی شده و شکل آن تغییر کرده است، ولی به هر حال هنوز این شخصیت با تصویری هرچند غریب باقی مانده است. ماندگاری حاجی فیروز که یکی از تبارهای اجتماعی دلک نمایش سنتی ایران است، توانایی این الگوی کهن برگرفته از فرهنگ عامیانه را نشان می‌دهد و دگرگونی ظاهری حاجی فیروزهای امروزی می‌تواند نمونه‌ای تقریبی از تغییر دلک باشد.

دلک حاشیه‌نشین ایرانی فقط با افرادی مانند کریم شیره‌ای - دلک راه‌یافته به دربار ناصری - و در ادامه با دلک‌های نمایش سنتی - مبارک دلک خیمه‌شب‌بازی و سیاه دلک سیاه‌بازی - وارد متن می‌شود، اما سرنوشت دلک از این نقطه و پیش و پس از آن در ابهام است. ویژگی و کارکرد دلک در این دوره‌ی کوتاه در متن بودن نشان می‌دهد شکل‌گیری دلک نمایشی جز با تباری کهن و قدرت‌مند امکان‌پذیر نیست. همچنین نقش مؤثر او در نمایش‌های سنتی و حتا ورودش به گونه‌ی شبیه‌مضحک^۱ - از گوشه‌های تعزیه - که تکوین آن نشان‌دهنده‌ی تمایل مردم و تماشاچیان به شادی و طنز بوده است، شخصیت او را چنان قدرت‌مند می‌کند که طردش از

۱. تعزیه‌های خنده‌آوری که اساس اغلب آن‌ها تمسخر دشمنان دین بوده است (بیضایی، ۲۱۶: ۱۳۸۳).

تثاثر آمده از درام غربی پس از مشروطه پذیرفتنی نیست. پس وجود گروه‌هایی تباری تا نقطه‌ی مرکزی — دلچک نمایش سنتی — و تغییرات ظاهری آن تا امروز ضروری به نظر می‌رسد. این تغییر شبیه است به مفهوم دگرگونی روایت‌های اسطوره‌ای از منظر مهرداد بهار که معتقد است روایت اسطوره‌ای از میان نمی‌رود بلکه تغییر می‌کند. دلچک نیز شخصیتی کهن و قدرت‌مند است که با ورود تثاثر به شیوه‌ی اروپایی یک‌باره و کامل محو نمی‌شود. در کتاب پیش رو با شناخت نیاکان دلچک و بازیابی حضورش در ادبیات نمایشی ایران ردیابی شکل‌های متفاوت گذشته و امروزش خطوط محوشده‌ی مسیر تاریخی او روشن می‌شود و مانایی این شخصیت در قلمرو فرهنگی و نمایشی به اثبات می‌رسد.

پسین...

بارها دیده‌ایم که شخصی در جمع با لطفه‌گویی و مزه‌پرانی مجلس را در دست می‌گیرد و به شادکردن و سرگرم ساختن دیگران شهره می‌شود. اما با گسترش راه‌های ارتباطی، لطفه‌گویی نوشتاری در نامه‌های اینترنتی و پیامک‌های تلفنی نیز شکل گرفته است که موجب خنده می‌شود. این گسترش راه‌های شادکردن در میان مردم می‌تواند نشان‌دهنده‌ی پراکندگی کلان‌الگوی دلچک باشد که شبیه است به نظریه‌ی فروپاشی کلان‌روایت‌های لیوتار. گویی الگوی دلچک ویژگی‌هایش را از شخصیت‌هایی خاص در گذشته گرفته نه از شخصیت‌هایی عام در دوره‌ی معاصر، بنابراین امروزه دیگر یک دلچک کامل وجود ندارد، بلکه بخش‌هایی از آن در شخصیت‌های مختلف دیده می‌شود و از آن‌ها شخصیتی دلچک‌گون می‌سازد.

سوی دیگر این مفهوم از منظر روان‌شناسی در دلچک‌بودن ماست که لُ کوک در نظرات و کارگاه‌هایش به آن پرداخته است. بنابر این نظریه، دلچک‌بودن به مثابه‌ی بُعدی از شخصیت انسان در هریک از ما در زمانی و به

نوعی متجلی می‌شود، اگرچه ممکن است در شخصیتی هیچ‌گاه نمایان نشود و یا به‌ندرت و در شرایطی خاص آشکار شود ولی پراکندگی و ویژگی‌ها و کارکردهای دلقک بر وجود این بُعد در اغلب افراد تأکید می‌کند. خصوصاً در شکل‌های نوشتاری که هویت پنهان مؤلف برای او نوعی مصونیت اجتماعی است از عنوان حاشیه‌ای و مطرود دلقک. از منظر اجتماعی نیز شادکردن دلقک با استفاده از خوی طغیانگری‌اش نظم اجتماعی را می‌شکند و فضایی کارناوالیته می‌سازد که بنابر نظریه‌ی باختین ضرورتی اجتماعی است که در سیر تاریخ بشر موجب آزادی و رهایی موقت انسان از قراردادهای و قوانین مسلط اجتماعی می‌شود و همچنین او را برای نظم جاری زندگی آماده می‌کند.

دلقک‌بودن و ضرورت روان‌شناسی و جامعه‌شناسی آن بر اهمیت شناخت دلقک و زیست تاریخی‌اش در ایران تأکید می‌کند. این شناخت موجب می‌شود زوایایی پنهان را از بُعد دلقکی ایرانیان بشناسیم که در آفرینش و پژوهش ادبی و هنری کارگشا و راهنماست.



این کتاب برگرفته از رساله‌ی دکتری نگارنده با عنوان **تباه‌شناسی دلقک در ادبیات نمایشی ایران** است که اگر کمک و همراهی این دوستان نبود به ثمر نمی‌رسید: ابتدا بانو نغمه ثمینی برای راهنمایی علمی، همسرم رضا صمدپور برای همراهی و هم‌فکری صبورانه و همچنین با قدردانی بسیار از دکتر بهروز محمودی بختیاری، دکتر محمدباقر قهرمانی، دکتر فریندخت زاهدی، سعیده رمضان‌زاده و البته مدیریت نشر نی که انتشار این کتاب را با نگاهی نوجویانه پذیرفتند.

فصل اول

نیاکان دلک

در آغاز هر پژوهش درباره‌ی هر مفهومی، شناخت واژه‌ها و ویژگی‌ها و کارکردهای آن مفهوم بررسی می‌شود که زمینه‌ای کامل و گسترده برای جست‌وجوی فرضیه فراهم می‌کند. در این فصل با مروری بر برابرنهادهای دلک به ویژگی‌ها و کارکردهای آن پی می‌بریم و سپس از منظر اسطوره‌ای، اجتماعی و تاریخی نیاکان دلک را می‌شناسیم، نیاکانی که هریک در نظامی در زمانی و یا هم‌زمانی، بخشی از ویژگی‌ها و کارکردهای دلک را به وجود آورده‌اند. این جست‌وجو نقطه‌ی آغازی است برای پژوهش درباره‌ی دلک به مثابه‌ی یکی از مفاهیم کهن، ژرف و گسترده‌ی تئاتر و ردیابی تبار او تا امروز.

واژه‌های دلک

به نظر می‌رسد گستردگی و پیشینه‌ی دلک او را به الگوی مهم اجتماعی بدل کرده است که بازیابی و ریشه‌یابی همه‌جانبه‌اش دشوار است. در هر مرحله از تکامل تمدن بشری از تفکر اسطوره‌ای و خردباوری تا دوره‌ی نوین و فرانوین، دلک با معنای ثابت و در شکل‌های متفاوت کارکردی مؤثر و

ضروری در حیات بشری داشته است، تاجایی که گاه به منزله‌ی ضرورت اجتماعی هر دوره‌ی تاریخی شناخته می‌شود، برابرنهادها و هم‌معنی‌های بسیار دلک ناشی از همین گستردگی زمانی و ظاهری است. اگرچه این واژه‌ها مستقیماً هم‌معنی دلک نیستند، ولی هریک در دوره‌ای کارکرد معنایی او را داشته‌اند و نشانه‌هایی از تبار دلک‌اند. این واژه‌ها را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد که یکی به ویژگی‌های تباری دلک و دیگری به کارکردهای اجتماعی او بازمی‌گردد.

الف) گروه واژه‌هایی که به ریشه‌های تباری دلک بازمی‌گردند و کارکرد حرفه‌ای دلک یعنی طنزآفرینی را نشان نمی‌دهند. واژه‌هایی مانند ^۱trickster، ^۲rogues، ^۳charlatan، ^۴minstrel.

ب) گروه واژه‌هایی که به کارکردهای اجتماعی و حرفه‌ای دلک به معنی طنزآفرین یا سرگرمی‌ساز یا ابله مضحک بازمی‌گردند که یا در ارتباطی نزدیک با دلک و یا هم‌معنی آن‌اند. واژه‌هایی مانند ^۵juggler،

۱. اسم فاعل Trick به معنی حقه، حيله، تردستی و شگرد است که tricker فرانسوی به معنای تقلب‌کردن و کلاه سر کسی گذاشتن مشتق شده بود و این فعل فرانسوی از tricari لاتین به معنای مشکل ایجادکردن و شیطنت آمده است.

۲. به معنی آدم دغل‌باز، کلاه و شیطنت، به مثابه‌ی اصطلاح عامیانه‌ی دزدان در نیمه‌ی دوم سده‌ی ۱۶ ظاهر شد.

۳. به معنی شارلاتان، شاید یا متقلب منشأ ایتالیایی دارد. این لغت از ciarlare به معنی chatter (مهم‌گفتن و وراجی) و Prattler به معنی (ورورکردن، ورزدن) به دست آمد.

۴. به معنی خنیاگر دوره‌گرد (در قرون وسطا) که ابتدا بر مفهوم servant دلالت داشت. در زبان فرانسوی باستان معنی آن از servant به entertainer (سرگرمی‌ساز) و سپس singer تغییر یافت.

۵. به معنی تردست و شعبده‌باز که با jester (دلک) و joke (شوخی و مزاح) مرتبط است. صورت فرانسوی این لغت jogleur به بازیگر و دلک هم اشاره داشت اما در مورد شعبده‌باز و تردست به کار می‌رفت و با مهارت یا چیره‌دستی دست‌ها همراه بود و از سده‌ی هفدهم به کسی گفته شد که بتواند هم‌زمان چند چیز را در هوا نگه دارد و در فرانسوی نوین به jongleur تبدیل شد.

^۱ magician, ^۲ idiot, ^۳ fool, ^۴ jester, ^۵ joker, ^۶ clown, buffon

یکی از پیچیدگی‌های تعریف دلقک در واژه‌های مرتبط با آن است که یا از ریشه‌های دلقک‌اند و یا زمانی کارکردی معادل دلقک داشته‌اند. به نظر می‌رسد این واژه‌ها در زمان‌های مختلف معنایی متفاوت داشته‌اند و به آسانی نمی‌توان تقدم یا تأخر آن‌ها را مشخص کرد. مثلاً واژه‌ی juggler متأخرتر از jester و از آن مشتق شده است، ولی کارکرد آن به منزله‌ی تردست از ریشه‌های اجتماعی-تاریخی jester (دلقک) است. واژه‌های تباری به نیاکان اسطوره‌ای و اجتماعی دلقک و واژه‌هایی که کارکرد حرفه‌ای دارند به ریشه‌های تاریخی او بازمی‌گردند و هریک نشان‌دهنده‌ی بُعدی از وجود پیچیده و چندگانه‌ی دلقک‌اند.

در زبان فارسی نیز می‌توان همین دسته‌بندی را در واژه‌شناسی «دلقک»

۱. اسم فاعلی magic از magos یونانی، لغتی با منشأ فارسی (مأخوذ از «مغ» فارسی) به معنی sorcerer (جادوگر-ساحر) بود.

۲. به معنی احمق و ابله و در مفهوم ریشه‌شناختی حاکی از «فردیت اختصاصی» است... این مفهوم به انسان عادی مصداق یافت، خاصه شخص غیرمتخصص و عامی که از دانش ویژه‌ای بهره‌مند نیست، لذا از سر ترجم به «فرد ناآگاه بی‌سواد» اطلاق شد.

۳. از fol فرانسوی و follies به معنی دم‌آهنگری به دست آمده است. در دوران پس از باستان از نظر معنایی به idiot (احمق-بی‌شعور) تغییر یافت. این واژه برای افکار خیالی و پدیده‌ای که قطعیت و واقعیت آن مورد تردید است، به کار می‌رود.

۴. اسم فاعلی jest به معنی شوخی کردن و با joke انگلیسی مرتبط است. منشأ غایی این لغت joculator لاتینی است که مشتقی از jocus به معنی شوخی، مطایبه، مایه‌ی خنده بود. معادل jester در آلمانی hofnarr، در اسپانیایی و ایتالیایی buffoon و در لاتین stultor است.

۵. مشتق انگلیسی از jocus است که هم‌خانواده‌ی jocose (به معنی بذله‌گو، فکاهی، شوخ) و jocular (به معنی شوخی‌آمیز، خنده‌دار) است.

۶. اولین مفهوم آن «دهاتی چشم‌وگوش‌بسته» بود و تصور می‌شد که از ریشه‌ی colonus لاتینی به معنای colonist (مهاجرنشین) و farmer (دهقان) به دست آمده است. اما ریشه‌ی مستقیم‌تری از آن نیز در زبان ژرمنی و کشورهای اسکاندیناوی به دست آمده مثل klonne یا klummi که هر دو به معنی «آدم دست‌وپاچلفتی» هستند.

انجام داد. باوجود تفاوت‌هایی در ساختار اجتماعی، تفکر قومی و باورها، زمینه‌های مشترک مانند باورهای اساطیری و آیینی، نیازهای اجتماعی و کارکردهای روان‌شناختی دلک را مانند الگوی قدرت‌مند در همه‌ی زبان‌های جهان مسلط و پایدار کرده است. البته بعضی از این واژه‌ها فارسی نیستند اما کاربردی عام در زبان فارسی دارند.

الف) گروه واژه‌هایی که به ریشه‌های تباری دلک بازمی‌گردند مانند گوسان^۱، خنیاگر^۲، لولی^۳، عیار^۴، ظریف^۵، شوخ^۶، یالانچی^۷، رند^۸، لوده^۹، مسخره^{۱۰}، دلک^{۱۱}.

۱. به معنی موسیقی‌دان-خنیاگر زمان پارتی. گوسان کلمه‌ای است که شاید در ایران باستان به معنی «موسیقی‌دان» متداول بوده است... ریشه‌ی این لغت پارتی است (بویس، ۱۳۶۸: ۷۵۷). گوسان در متن‌های زبان سامی به معنی شغلی با موقعیت اجتماعی متضاد با یک قاضی محلی، نوازنده‌ای دوره‌گرد و ناچیز است (پلاسید، ۱۳۸۱: ۳۷).

۲. به معنی آوازخوان، خواننده، سرودگوی. کلمه‌ی هونی‌اگر (فارسی آن خنیاگر است) که لغت گوسان به وسیله‌ی آن تفسیر می‌شود، به‌طور موثق یک لغت فارسی میانه است (بویس: ۱۳۶۹: ۷۵۷). در فارسی میانه (دوره‌ی ساسانی) واژه‌ی huniyagar (خنیاگر، هنی‌اگر، هونی‌اگر) جایگزین گوسان پارتی شد. البته نوازنده را به نام‌های دیگر نیز می‌خوانند: نواگر، رامشگر، چامه‌گو (پلاسید: ۱۳۸۱: ۳۸-۳۹).

۳. به معنی بی‌شرم، بی‌حیا، کولی، غریب.

۴. به معنی بسیار رفت‌وآمدکننده، ولگرد، تند و سریع‌السير، حيله‌باز و محیل، تردست، زیرک، چالاک، طرار، جوانمرد.

۵. به معنی زیرک، خوش طبع، نکته‌سنج، بذله‌گوی و زیبا.

۶. شوخ به معنی فضول، بی‌حیا، بی‌شرم، گستاخ، شاد و خوشحال، دزد و راهزن، خوشگل و زیبا.

۷. یالانچی (در ترکی دروغ‌گو) به معنی بی‌بندوبار، ریسمان‌باز. کسی که در بالای دو ریسمان ضخمی که بر بالای دو چوب تیر متصل و از دو سوی به زمین وصل شده کارهای شگفت کند.

۸. رند به معنی زیرک، حيله‌گر، محیل، لاقید، لالایی، آن‌که پایبند آداب و رسوم عمومی و اجتماعی نباشد.

۹. به معنی آن‌که سخنان مضحک گوید، شوخ، بی‌حیا.

۱۰. به معنی کسی که بسیار شوخی و هزل می‌گوید و حرکات خنده‌دار می‌کند، مقلد، دلک.

دلقک به مثابه‌ی دیگری

شناخت نیاکان دلقک راهگشای تحقیق درستی و اصالت آن در انتخاب واژه‌هاست، این شناخت یک محدوده‌ی کلی معنایی برای شخصیت دلقک تعیین می‌کند که راه دریافت مسیر تاریخی او را هموار می‌سازد. بر فرض این‌که در برهه‌ای از تاریخ کارکردهای متفاوت دلقک در شخصیتی واحد با نام «دلقک»^{۱۲} جمع شده باشد، از این برهه تا گذشته‌های دور و تا امروز دلقک قصه‌هایی چندشاخه و هزار و یک شب دارد. به نظر می‌رسد طی زمان کارکردها یا معانی‌ای متفاوت و متکثر الگوی دلقک را ساخته‌اند و سپس باتوجه به شرایط اجتماعی و انسانی و با بهره‌گیری از همان کارکردها الگوهای متفاوت از آن به وجود آمده است.

دامنه‌ی این محدوده‌ی معنایی از خنیاگر، نوازنده و قصه‌گو آغاز می‌شود، به سرگرمی‌ساز و نیرنگ‌باز می‌رسد، گاه شامل ابله و ساده‌لوح می‌شود و سرانجام با ترکیب همه‌ی این موارد به مسخره و دلقک ختم می‌شود. نقطه‌ی اشتراک و حلقه‌ی پیوند همه‌ی واژه‌ها یا کارکردها «دیگری‌بودن»^{۱۳} برای جمع است. همه‌ی این شخصیت‌ها با کارکردهای شان برای جمع خود «دیگری» می‌شوند. وقتی قصه‌گویی با نقل قصه‌ای خود را از دیگران متمایز می‌کند، به تدریج با ویژگی‌ها و توانایی‌هایش در برابر جمع قرار می‌گیرد و به دلیل همین ویژگی‌هاست که متمایز می‌شود. این ویژگی‌ها توجه جمع را به او جلب می‌کند و در مرکز توجه قرار می‌گیرد. از این زمان او برای جمع یک «دیگری» محسوب

۱۱. مبدل «تلخک» یکی از ظرفای دربار سلطان محمود غزنوی و به معنی کسی که در دربارهای قدیم کارهای خنده‌آور برای تفریح دیگران می‌کرد؛ کسی که در بندبازی و نمایش‌های سیرکی ادای هنرپیشه‌ی اصلی را درآورد و بدین وسیله مردم را بخنداند.

12. clown

13. the other

می‌شود که می‌تواند خلاف جامعه عمل کند و این آغاز طغیانگری یا شورش است. به‌نظر می‌رسد این مسیر فرضی سه مرحله دارد:

۱. با ویژگی‌ها و توانایی‌های او «دیگری» جمع می‌شود.

۲. این «دیگری» در برابر جمع می‌ایستد.

۳. «دیگری» علیه هر رفتار و گفتار موافق با قراردادها و قوانین جاری طغیانگری و شورش می‌کند و از این منظر است که ویژگی‌ها و کارکردهای دلک طغیانگرانه به‌نظر می‌رسد.

می‌توان گفت این مسیر کلی حرکت دلک است که براساس آن الگوی دلک در جامعه شکل می‌گیرد. به این ترتیب به‌نظر می‌رسد «دیگری» نخستین مفهومی است که ما را به تبار تاریخی «دلک» می‌رساند. در تبارشناسی اجتماعی بدیهی است که باید در جست‌وجوی اولین مرحله بود، یعنی اولین کسانی که در جامعه‌ی شان «دیگری» شده‌اند.

نیای اسطوره‌ای-آیینی دلک: بلاگردان^۱

برای واژه‌شناسی دلک به‌منزله‌ی الگوی شخصیتی باید نیاکان تاریخی او را جست‌وجو کنیم، جست‌وجویی که بی‌تردید از آیین‌ها آغاز می‌شود، به الگوهای شخصیتی در تاریخ پیوند می‌خورد و در فرهنگ عامه ادامه می‌یابد. شناخت دلک را از اسطوره‌ها و آیین‌ها آغاز می‌کنیم که روایت نخستین همه‌ی مفاهیم بشری‌اند. از منظر اسطوره‌ای کهن‌ترین نمونه‌ی «دیگری» که کلی‌ترین تعریف دلک را دربردارد، بلاگردان است. چنان‌که اوتو^۲ می‌گوید: «دلک می‌تواند تردست، گستاخ، بلاگردان و راهنما باشد» (Otto, 2001:6). بلاگردان از کهن‌ترین الگوهای «دیگری» است که جست‌وجوی ما با آن آغاز می‌شود. «بلاگردان به‌معنی دفع‌کننده‌ی بلا کسی است که انسان را از بلا

1. scapegoat

2. Beatrice K. Otto